

صلاة الاضلاع



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده زبانشناسی
گروه فرهنگ و زبانهای باستانی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فرهنگ و زبانهای باستانی

بررسی چیستان در متون ایرانی کهن

استاد راهنما :

دکتر کتابون مزداپور

استاد مشاور :

دکتر امید ملاک بهبهانی

پژوهشگر :

شیوا بهبودی

مهر ماه ۱۳۹۱

اکنون که به یاری یزدان پاک این پژوهش به پایان رسید، بر خود بایسته می‌دانم که احترامات خالصانه خود را پیشکش استادان عزیزم کنم.

از استاد گرانقدرم سرکار خانم دکتر کتایون مزداپور که زحمت راهنمایی این پژوهش را بر عهده داشتند و چه در طول سال‌های تحصیل، چه در هنگام نگارش این پایان‌نامه همواره راهگشای من بوده‌اند صمیمانه سپاسگزارم.

همچنین از استاد ارجمند سرکار خانم دکتر امید ملاک بهبهانی که زحمت مشاوره این پژوهش را بر عهده داشتند و همواره از دانششان بهره برده‌ام سپاسگزارم.

تقدیم به پدر و مادر ارجمند و عزیزم

که در تمامی مراحل زندگی، استوارانه تکیه‌گاه و پشتیبان من بوده‌اند

و

تقدیم به خواهر نازنینم

به پاس لطف بی‌دریغ و مهر بی‌کرانش

چکیده

چیستان از دیرزمان در فرهنگ شفاهی اکثر اقوام و فرهنگ‌های کهن رواج و کاربرد داشته است. انسان‌ها از کهن‌ترین روزگار همواره در پی آن بوده‌اند که با ابزارها و آزمون‌هایی اندازه هوش کودکان و بزرگسالان را بیازمایند و چیستان‌ها با داشتن ساختاری متشکل از هوش‌آزمایی، ادبیات و بازی ذهنی، بهترین ابزار برای اندازه‌گیری هوش و توانایی ذهنی بوده‌اند.

با بررسی و پژوهش در متون ایرانی کهن، نشانه‌ها و آثار مختلفی از چیستان را می‌یابیم. در اوستا اشاره‌ای گذرا به یوشت فریان و پرسش‌های دشوار اخت شده است، که خود نمایانگر قدمت فراوان این گونه ادبی در ایران می‌باشد. در متون پهلوی و سغدی، و در جای جای داستان‌های متنوع شاهنامه و گرشاسب‌نامه نیز ردپای چیستان و معما به چشم می‌خورد. شیوه طرح شدن چیستان‌ها و نیز دلایل و اهداف به کار بردن آنها در هر یک از این متون متفاوت است. گاه چیستان به شکل پرسشی مستقیم مطرح گشته و پاسخ داده می‌شد، و زمانی دیگر هیچ پرسشی بر زبان جاری نمی‌شد و گشاینده معما با موقعیت یا روندی چیستان‌گونه و یا شی‌ای معمایی روبه‌رو می‌گشت. سزای پاسخ ندادن به چیستان نیز سنگین، و حتی گاه غیرقابل جبران بود. به دست نیاوردن موقعیت اجتماعی مطلوب، زندانی شدن و حتی مرگ در انتظار فردی بود که از پاسخ به معما درمی‌ماند. گاهی نیز دادن باج و ساو و از دست دادن استقلال و یا بدتر از آن، پیل‌خوست شدن شهر، سرنوشت محتوم شهر یا کشوری بود که در گشودن راز و رمز چیستان و معمایی کامیاب نبود. گردآوری و بررسی هر یک از این موارد، در کنار نمونه‌هایی از چیستان در چند متن کهن غیرایرانی، موضوع پژوهش حاضر است.

واژه‌های کلیدی: چیستان، موقعیت معمایی، متون پهلوی، شاهنامه، گرشاسب‌نامه

فهرست

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار
۳	فصل یکم - کلیات
۴	۱-۱ معنی چیستان، لغز، معما
۴	۱-۱-۱ چیستان
۵	۲-۱-۱ لغز
۷	۳-۱-۱ معما
۷	۴-۱-۱ دیگر واژه‌های مرتبط
۹	۲-۱ تعاریف چیستان در متون معاصر
۱۴	۳-۱ چیستان‌نویسی در ایران پس از اسلام
۱۷	۴-۱ بی‌اهمیت خواندن معما و معماگویی
۲۰	۵-۱ ریشه‌یابی واژه چیستان
۲۵	فصل دوم - بررسی چیستان در متن‌های غیر ایرانی
۲۷	۱-۲ سومر
۲۸	۱-۱-۲ شرح لغز
۳۰	۲-۱-۲ بررسی لغز
۳۲	۲-۲ هند
۳۲	۱-۲-۲ اوپه‌نیشدها
۳۳	۲-۲-۲ اهمیت کسب معرفت در هند
۳۵	۳-۲-۲ پرسش و پاسخ‌های چیستانی در اوپه‌نیشدها

۴۴	۳-۲ متون عبری
۴۵	۱-۳-۲ معمای شمشون
۴۶	۲-۳-۲ راز گیسوان بلند شمشون
۴۸	۴-۲ یونان
۴۸	۱-۴-۲ نمایشنامه ادیپوس شهریار
۴۹	۲-۴-۲ شرح معما
۵۴	فصل سوم- بررسی چیستان در متن‌های ایرانی
۵۶	۱-۳ معرفی متن‌های چیستانی در میان آثار پهلوی
۵۷	۲-۳ شاهنامه و گرشاسب‌نامه
۵۹	۳-۳ شیوه دسته بندی چیستان‌ها در این پژوهش
۶۰	۱-۳-۳ چیستان‌های گفتاری در متون پهلوی
۷۹	۲-۳-۳ چیستان‌های گفتاری در شاهنامه
۹۹	۳-۳-۳ چیستان‌های گفتاری در گرشاسب‌نامه
۱۰۷	۴-۳-۳ موقعیت معمایی
۱۲۵	فصل چهارم- نتیجه و بحث
۱۲۶	۱-۴ چیستان ابزاری آموزشی
۱۲۷	۲-۴ جمع‌بندی و نتیجه
۱۳۳	منابع و مراجع
۱۳۹	چکیده انگلیسی

پیشگفتار:

موضوع پژوهش حاضر «بررسی چیستان در متون ایرانی کهن» است. بررسی متن‌های بر جای مانده از دوره‌های کهن، از جنبه‌ها و ابعاد گوناگون همواره لازم و ضروری می‌نماید. این متون که متعلق به قرن‌ها و هزاره‌های فراموش‌شده تاریخ کشورمان هستند، اطلاعات ارزشمندی را در مورد شرایط و ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، زبانی، اساطیری، طرز فکر و استدلال و... مردمان آن روزگار به دست می‌دهند. ارزشمندی این متون هنگامی بیش از پیش نمودار می‌گردد، که به بُعد زمانی و نیز کمبود اطلاعات روشن و مستند از دوره‌های پیشین ایران توجه کنیم.

در این پژوهش سعی بر آن بوده است که متن‌های کهن ایرانی، از جنبه‌ای نو و با نگاهی تازه‌تر مورد بررسی و کنکاش قرار گیرند. نو بودن از آن روست که اطلاعات دینی، تاریخی، فرهنگی، اساطیری این متون، با برجسته‌سازی خطوط و مایه‌های چیستانی و معماگونه بررسی گشته و در برخی موارد نیز با متون دیگری با همین موضوع مقایسه می‌شوند.

گردآوری داده‌ها و اطلاعات این پژوهش، به روش کتابخانه‌ای و با فیش‌برداری صورت گرفته است. همچنین در تکمیل مطالب برخی از بخش‌ها، از اینترنت و اطلاعات برخی تارنماهای معتبر بهره گرفته شده است.

اساس کار در این پژوهش، شناسایی و گردآوری داستان‌های معماگونه و چیستانی پراکنده در میان متن‌های مختلف ایرانی کهن و بررسی آنها است، اما در کنار آن، نگاهی نیز به برخی متن‌های چیستانی غیرایرانی افکنده‌ایم.

در ادامه، مطالب و مندرجات هر بخش به اختصار ذکر خواهد شد:

در فصل یکم به ذکر معانی چیستان، لغز، معما و دیگر واژگان مرتبط با چیستان در فرهنگ‌های کلاسیک و نیز معاصر پرداخته شده است. همچنین نگاهی کوتاه به تاریخچه چیستان و معماگویی، و نیز اهمیت این گونه ادبی در ایران پس از اسلام افکنده شده است. در پایان فصل نیز به بازگویی و معرفی نظریه جدیدی در رابطه با ریشه واژه چیستان پرداخته‌ایم.

فصل دوم به بررسی چیستان در متن‌های کهن غیر ایرانی اختصاص دارد. در این فصل به لغزی سومری، نمونه‌هایی از پرسش و پاسخ‌های چیستانی و آزمون‌ی در هند و نیز دو چیستان عبری و یونانی اشاره شده است.

در فصل سوم، نمونه‌هایی از داستان‌های چیستانی ایرانی کهن ذکر و بررسی شده‌اند. در این فصل در ابتدا متن‌های معمایی برگزیده شده در این پژوهش، به طور خلاصه معرفی گشته، سپس در دو دسته کلی چیستان‌های گفتاری و موقعیت‌های معمایی مورد بررسی بیشتر قرار گرفته‌اند. در فصل چهارم، مطالب بحث شده در فصل‌های پیشین، جمع‌بندی و دسته‌بندی شده و از جنبه‌های مختلف مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

فصل یکم

کلیات

۱-۱ معنی چيستان، لغز، معما

برای ورود به مقوله چيستان و بررسی چيستان گویی در متون کهن، نخست به ذکر تعاریفی چند از این واژه به همراه تعاریفی از لغز، معما و دیگر واژه‌های مترادف، از خلال معانی داده شده در فرهنگ‌ها و متون کلاسیک فارسی خواهیم پرداخت.

۱-۱-۱ چيستان:

در فرهنگ جهانگیری، چيستان اینگونه تعریف شده است: "با اول مکسور و یای معروف، لغز را گویند."^۱

در برهان قاطع چنین آمده است: "چيستان بر وزن سيستان، به معنی پرسیدن باشد و آن را لغز هم گویند، و به عربی اغلوطه خوانند، و به معنی ماهیت نیز آمده است."^۲

در فرهنگ آندراج نیز علاوه بر جمله اول برهان، نمونه‌هایی برای چيستان داده شده است:

۱- انجو شیرازی، ۱۳۵۱: ج ۲، ص ۲۲۶۶

۲- خلف تبریزی، ۱۳۴۴: ص ۴۰۱

"...مثلا «چیست آن قصر بی در و روزن» و آن را به تازی لغز و احجیه گویند. چنان که عثمان مختاری گفته: «چیست آن چرخه که باشد بر دو کوه آن را مدار/ آلت رفتنش هشت و جای آسودنش چار». همگر شیرازی گفته: «چیست آن گوهر که می‌زاید از آن دریا روان/ صورت او در و لیکن باشدش از جزع کان» و لازم نیست که در اول آن چیست آن بوده باشد بلکه به طریق سوال نیز گفته می‌شود چنانکه میر معزی گفته: «چه پیکرست به زیر سپهر یافته تیر/ به شکل تیر و بدو ملک راست گشته چو تیر»^۱

۱-۱-۲ لغز:

قیس رازی در کتاب «المعجم فی معاییر اشعار العجم» (مربوط به سده هفتم هجری) لغز و معما را چنین تعریف می‌کند:

"لغز آنست که معنی از معانی در کسوت عبارتی مشکل متشابه به طریق سوال بپرسند و از این جهت در خراسان آن را چیست آن خوانند و این صنعت چون عذب و مطبوع افتد و اوصاف آن از روی معنی با مقصود مناسبتی دارد و به حشو الفاظ دراز نکرده و از تشبیهات کاذب و استعارات بعید دور بود پسندیده باشد و تشحیذ خاطر را بشاید.^۲

...و لغز در اصل لغت برکردنیدن چیزی است از سمت راست و الغاز راه‌های کژ مؤست و لَغِيزا سوراخ موش دشتی است... و این جنس سخن را از بهر آن لغز خواندند کی صرف معنی است «از سمت فهم راست و بعضی مردم آنرا لَغْز خوانند به ضمّ لام و غین».^۳

^۱ - پادشاه، ۱۳۳۵: ج ۲، ص ۱۴۷۳

^۲ - قیس الرازی، ۱۳۴۶: ص ۴۲۶

^۳ - همان، ص ۴۲۹

...و معما آنست که اسمی یا معنی‌ای را به نوعی از غوامض حساب یابه جیزی از قلب و تصحیف و غیر آن از انواع تعمیم آن را بوشیذه کردانند تا جز به اندیشه تمام و فکر بسیار به سر آن نتوان رسید و بر حقیقت آن اطلاع نتوان یافت.^۱

در برهان قاطع پس از ذکر معانی مختلفی، لغز اینگونه تعریف شده است: "...و به ضم اول و فتح ثانی در عربی به معنی پیچیدگی باشد، و از این جهت است که چیستان را لغز گویند که پیچیدگی دارد."^۲ در کتاب غیث اللغات چنین آمده است: "به ضم لام و فتح غین معجمه و زای معجمه سوراخ موش دشتی و آن به غایت پیچدار باشد. لهذا نام نوعی از کلام مبهم که به فارسی چیستان گوید."^۳ در فرهنگ آندراج چنین آمده است:

"...و به اصطلاح کلامی است موزون که دلالت کند بر ذات شیء از اشیاء به ذکر خواص و لوازم آن شیء مشروط به آنکه مجموع الصفات مخصوص بدان ذات باشد و در غیر او یافته نشود هر چند هر یک از آنها در غیر او موجود باشد به طریقی که ذهن مستقیم و طبع سلیم انتقال کند از آن کلام بدان ذات و عجم این قسم را چیستان خوانند."^۴

پس از این تعریف، چند نمونه برای چیستان آورده شده است. از آن میان چیستانی در مورد عنکبوت ذکر می‌گردد:

«آن چیست که خود ریسد و خود بافد جامه خود جامه همی بافد او باشد عریان»

^۱ - همان، ص ۴۳۰

^۲ - ابن خلف تبریزی، همان، ص ۱۰۳۷

^۳ - رامپوری، ۱۳۴۲.ق: ص ۴۳۸

^۴ - پادشاه، ۱۳۳۵: ج ۵، ص ۳۷۰۰

۱-۱-۳ معما:

در *غیث اللغات* چنین آمده است:

"به ضم میم و فتح عین مهمله و میم دوم مشدد مفتوح، پوشیده شده و کور و نابینا کرده شده از کنز و منتخب و در لطائف نوشته که معما به معنی مکان پوشیده و به اصطلاح کلامی که به وجه صحیح دال باشد و بر اسمی به طریق رمز و ایما که پسند طبع سلیم باشد و در بعضی کتب چنین نوشته که معما به معنی بی دیده و بی نظر و در اصطلاح کلامی که دلالت کند به طریق رمز و ایما بر اسمی به طریق قلب یا تشبیه یا به حساب حمل یا به وجهی دیگر."^۱

فرهنگ *آندراج* نیز به همین تعریف اکتفا کرده و ذیل تعریف معما، اصطلاح «معما گشادن»^۲ را به معنی حل کردن معما آورده است.

۱-۱-۴ دیگر واژه‌های مرتبط:

با نگاهی به واژه‌نامه‌ها و فرهنگ‌های مختلف، به سه واژه دیگر که با چیستان، لغز و معما هم‌معنی هستند برمی‌خوریم. این سه واژه عبارتند از: پردک، چُرَبک و گردک.

پَرَدک:

در فرهنگ *جهانگیری*، پردک اینگونه تعریف شده است: "با اول مفتوح بثنای زده و دال مفتوح به کاف

زده، چیستان باشد، و آن را به تازی لغز و به هندی پهبیلی گویند. امیر خسرو فرماید:

ز پردک‌های دورادور بسته که از فکرش دل داناست خسته"^۳

در *برهان قاطع* و فرهنگ معین نیز همین تعریف داده شده است.

^۱-رامپوری، همان، ص ۴۸۳

^۲- پادشاه، همان، ج ۶، ص ۴۰۶۲

^۳- انجو شیرازی، همان، ج ۱، ص ۸۷۹

در فرهنگ *آندراج* نیز علاوه بر تعریف بالا چنین آمده است:

"... معنی پردک سخن پوشیده خواهد بود و کاف به جای ها، پرده و تصغیر پرده می‌باشد یعنی

پوشیدنی کوچک.^۱"

چُرَبِک:

در فرهنگ *جهانگیری*، چندین معنی برای این واژه داده شده است که تنها یکی از این معانی با معنی

چیستان مرتبط است:

"... با اول مضموم، چهار معنی دارد... چهارم چیستان باشد، و آن را به تازی لغز نامند. امیر خسرو

راست:

نر و ماده به هم چون دوست با دوست بسی مرموز چربک گفته در پوست^۲"

در *برهان قاطع*، *غیاث اللغات* و فرهنگ *آندراج* نیز همین معنا تکرار شده است.

گِردِک:

در فرهنگ *جهانگیری* چنین آمده: "با اول مکسور چهار معنی دارد... سیوم چیستان باشد و آن را

پردک نیز خوانند، و به تازی لغز گویند و به هندی پهبلی.^۳"

در *برهان قاطع* و *غیاث اللغات* نیز همین تعریف داده شده است.

^۱ - پادشاه، همان، ج ۲، ص ۸۹۶

^۲ - انجو شیرازی، همان، ج ۱، ص ۹۳۱ تا ۹۳۳

^۳ - همان، ج ۱، ص ۱۱۲۵

۱-۲ تعاریف چیستان در متون معاصر

با نگاهی به متون معاصر، به تعاریف مختلفی در زمینه چیستان برمی‌خوریم. از آن جمله می‌توان به تعاریف ارائه شده در فرهنگ معین اشاره کرد:

چیستان: "چیستان [čīst-ān=چیست آن] (امر^۱) لغز، اغلوطه (که غالباً با «چیست آن...» شروع گردد).^۲"

لغز: "loyaz" ۱. سوراخ موش دشتی که بسیار پیچدار باشد. ۲. راه‌های کج و معوج ۳. (د.)^۳ شمردن اوصاف چیزی است بدون آنکه نام آن را ببرند؛ چیستان، اغلوطه.^۴"

تعاریف داده شده برای معما، معمادان و معمی نیز بدین شرح هستند:

معما: "[mo'ammā = معمی] رسم‌الخط فارسی برای معمی. و همین صورت در نوشته‌های فارسی غلبه دارد:

«وجود ما معمایی است، حافظ! که تحقیقش فسون است و فسانه»^۵

ذیل واژه معما، تعریف کوتاهی نیز برای واژه «معمادان» آورده شده است:

"آنکه بتواند معما و لغز را حل کند."^۶

^۱ - اسم مرکب

^۲ - معین، ج ۱، ص ۱۳۲۷

^۳ - ادب، ادبیات

^۴ - همان، ج ۳، ص ۳۶۰۳

^۵ - همان، ج ۴، ص ۴۲۴۱

^۶ - همانجا

معمی:

"mo'ammā ۱. پنهان داشته، پوشیده. ۲. آنست که اسمی یا معنی‌ای را به نوعی از مشکلات حساب یا به چیزی از قلب و تصحیف و غیر آن از انواع تعمیمه پوشیده گردانند تا جز به اندیشه تمام و فکر بسیار آن را نتوان کشف کرد، چنانکه در نام «مسعود» گفته‌اند:

چو نامش بپرسیدم از ناز زود بدامن، چو برخاست بریط بسود

به تازی بدانستم آن رمز او که نامش ز بریط بسودن چه بود^۱

در کتاب فرهنگ زبان تاجیکی نیز تعاریفی برای لغز و معما می‌بینیم:

لغز: "سخن پیچیده، گپی پوشیده معنا.

مدعی گو لغز و نکته به حافظ مفروش کلک ما نیز زبانی و بیانی دارد^۲

معما و معمی: "۱. سخن سر بسته و مغلق؛ مسئله پوشیده؛ رمز.

اسرار ازل را نه تو دانی و نه من وین حرف معما نه تو خوانی و نه من

هست از پس پرده گفتگوی من و تو چون پرده برافتد، نه تو مانی و نه من. خیام^۳

پس از این تعریف، معنای دیگری نیز برای معما آورده شده است:

"۲. شعر، که به طور رمز و ایما به قاعده‌ای مخصوص اسمی را افاده می‌کند، چنان که در مثال زیرین:

از میان برخیز، ای سرو برین جای تو این نیست، بالاتر نشین

«سرو برین» کنایه از حرف الف بوده، اگر از میان کلمه 'میان' الف بالاتر، یعنی در اول کلمه نشیند، نام

'امین' حاصل می‌شود؛ معما شکافتن معما حل کردن.

^۱ - همان، ج ۴، ص ۴۲۴۳

^۲ - ШИВКУРОВА, et al. 1969: P.609

^۳ - Idem. P.709

این معما اگر شکافتی

غیر هیچ از میان چه یافتی؟^۱ بیدل

جلال‌الدین همایی نیز در تعریف لغز و معما چنین می‌گوید:

"لغز که در اصطلاح ادبای فارسی آن را چیستان می‌گویند نیز می‌گویند در ریشه اصلی لغوی، به معنی پیچیدگی و پوشیدگی و کژمژی است؛ و در اصطلاح آن است که از چیزی صریح نام نبرند اما اوصاف آن را چنان برشمارند که شنونده روشن طبع صاحب ذوق، از شنیدن آن اوصاف پی به مقصود گوینده ببرد. و این صنعت اگر با شیوایی الفاظ و ابتکار معانی توأم شده باشد، پیش اهل ادب بسیار مهم و گران‌مقدار، و میدان هنرنمایی شعرای بزرگوار است."^۲

در ادامه چند لغز به عنوان نمونه ذکر شده است. مثلاً لغز آب، از جمال‌الدین اصفهانی:

"آن جرم پاک چیست چو ارواح انبیا چون روح با لطافت و چون عقل باصفا

هم مغز آفرینش و هم مایه حیات هم دایه شجرها، هم پایه گیا"^۳

همایی در تعریف معما چنین می‌گوید:

"آن است که نام کسی یا چیزی را در ضمیر پوشیده دارند و اوصافی با رموز و اشارات برای آن بیاورند که فهم مقصود، محتاج فکر و تأمل و اعمال قلب و تصحیف و تشبیه و حل و عقد و حساب سیاق و اعداد ابجد و نظایر آن باشد. چنانکه در معمای «خسرو» گفته‌اند:

نام بت من اگر بپرسی سیبی ست نهاده بر سر سرو

^۱ - Idem.

^۲ - همایی، ۱۳۶۱: ج ۱، ص ۳۳۵

^۳ - همان، ص ۳۴۱

باید از کلمه «سیبیست» منتقل شوند به «سی بیست» یعنی (۲۰ ۳۰) که ششصد می‌شود و این عدد در حساب ابجد، حرف «خ» است، که چون آن را بر سر کلمه «سرو» بگذاریم «خسرو» از کار درمی‌آید.^۱

سیما داد نیز در کتاب «فرهنگ اصطلاحات ادبی»، معما (Logograph) را به همین شکل تعریف کرده و می‌افزاید که "فرق معما با چیستان در آنست که چیستان مفصل‌تر از معماست و اغلب با سوال «چیست آن» شروع می‌شود."^۲

داد، همچنین چیستان و لغز را معادل واژه انگلیسی Riddle دانسته است و پس از ذکر چندین نمونه از لغز در شعر شاعران کلاسیک ایران، به کاربرد این گونه ادبی در ادبیات دیگر ملل از جمله در ادبیات عربی، عبری، یونانی، لاتینی و انگلوساکسون (انگلیسی کهن) اشاره می‌کند و در توضیح کاربرد چیستان در ادبیات انگلوساکسون می‌گوید:

"نخستین نمونه‌های چیستان انگلیسی در Exeter Book (سده هشتم) یافت می‌شود که برخی چیستان‌های آن کوتاه و بعضی شامل چندین بیت است... در آثار برج مانده از ادبیات انگلوساکسون، غالب چیستان‌ها وصف یا تشریح خصوصیات اشیا و عوالم است... تفاوت لغزهای انگلوساکسون با لغزهای فارسی در آن است که لغزهای فارسی پرسش را در آغاز مطرح می‌کند و غالباً با جمله «چیست آن» شروع می‌شود در صورتی که در ادبیات انگلوساکسون این پرسش همواره در پایان لغز ذکر می‌شود."^۳

^۱ - همان، ص ۳۴۲

^۲ - داد، ۱۳۸۲: ص ۴۴۳

^۳ - همان، ص ۱۹۲

همچنین در جایی دیگر می‌افزاید: "چون لغز گاهی با سوال «چیست آن؟» شروع می‌شود به این اسم معروف شده است. لغز بیشتر به قالب قصیده مقطعه است و بر دو نوع است یا با «چیست آن» و نظایر آن آغاز می‌شود و یا عباراتی دال بر لغز بودن در آن نیست."^۱

مارتین گری نیز معما و چیستان را چنین تعریف می‌کند:

"روش متحیر کردن عمدی برای اشاره به شی یا اندیشه‌ای با هدف فریب دادن، امتحان کردن و یا سرگرمی... اشعار معمایی بسیاری در دوره انگلوساکسون وجود دارد که بعضی از آنها حل نشده باقی مانده‌اند. این واقعیت که معما به بعضی از چیزهایی گفته می‌شود که به طریقه فریب دهنده و تصادفی مطرح می‌شود، آن را به استعاره شبیه می‌سازد. معماها در عصرها و فرهنگ‌های مختلف ظاهر شده‌اند."^۲

در این تعریف معمای ابوالهول، به عنوان یک نمونه از چیستان ذکر شده است.

با مروری بر تعاریف کلاسیک و معاصر داده شده، مشاهده می‌شود که در تمامی موارد، چیستان معادل لغز دانسته شده است؛ و اگر بخواهیم این سه واژه را از نظر میزان سختی و پیچیدگی، دسته بندی و نیز درجه بندی کنیم، می‌توان چیستان و لغز را در یک دسته، با درجه پیچیدگی کمتر، و معما را در دسته دیگر و با پیچیدگی بیشتر قرار داد.

^۱ - همانجا

^۲ - گری، ۱۳۸۲: ص ۲۸۱